

جنگ تعرفه‌ای ترامپ فرصتی پنهان برای ایران

■ **احد آقایی، کارشناس اقتصادی**

تنش‌های اقتصادی جهان در آستانه ورود به مرحله‌ای تازه قرار گرفته است. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا بار دیگر با تهدید به اعمال تعرفه‌های ۱۰ درصدی علیه گروه بریکس و همه شرکای تجاری این بلوک، بار دیگر آتش جنگ‌های تعرفه‌ای را شعله‌ور کرده است. این سیاست‌ها، گرچه با هدف حمایت از اقتصاد داخلی امریکا و تضعیف رقبای تجاری واشینگتن انجام می‌شود، اما در عمل باعث تسریع روندی شده که امریکا از آن هراس دارد: دلارزدایی از تجارت جهانی. بر خلاف تصور ترامپ، اقدامات تهاجمی او بسیاری از قدرت‌های اقتصادی جهان، به‌ویژه اعضای گروه بریکس را در مسیر همکاری‌های مالی نزدیک‌تر و جست‌وجوی جایگزین‌هایی برای دلار متحد کرده است. این اتحاد اقتصادی که با رویکرد «خوداتکایی مالی» شکل گرفته، یک فرصت پنهان، اما بسیار مهم برای کشورهایی چون ایران به وجود آورده است.

■ **چرا رفتار ترامپ به نفع ایران است؟**

سیاست‌های اقتصادی ترامپ مبتنی بر یک منطق ساده، اما خطرناک است. امریکا باید برتری خود را حفظ کند حتی اگر این به معنای جنگ اقتصادی با همه رقبای جهانی باشد، اما تجربه نشان داده که چنین سیاست‌هایی نه تنها رقبای امریکا را ضعیف نمی‌کند، بلکه باعث ایجاد ائتلاف‌های غیرمنتظره و قدرتمند در برابر هژمونی اقتصادی واشینگتن می‌شود. گروه بریکس (BRICS) که اکنون شامل کشورهای چین، روسیه، هند، برزیل، آفریقای جنوبی، ایران، امارات، مصر، نیپوی و اندونزی است، امروز بیش از ۴۰ درصد جمعیت جهان و نزدیک به ۳۰ درصد تولید ناخالص جهانی را در اختیار دارد. همکاری نزدیک این کشورها در حوزه مالی، انرژی و تجارت با هر گونه فشار تعرفه‌ای امریکا شتاب بیشتری می‌گیرد. در چنین شرایطی، ایران به‌عنوان یک تأمین‌کننده انرژی، بازار مصرف مهم و پل ارتباطی شرق و غرب می‌تواند موقعیت خود را در این بلوک نوظهور اقتصادی تقویت کند.

■ **فرصت‌های ایران در عصر دلارزدایی**

دلارزدایی یا حذف تدریجی دلار از معاملات بین‌المللی، سال‌هاست که به‌عنوان یک آرمان در بین کشورهای مخالف هژمونی امریکا مطرح بوده است، اما تحولات اخیر باعث شده این آرمان بیش از هر زمان دیگری جنبه عملیاتی پیدا کند.

۱. **کاهش هزینه‌های تحریم**

تحریم‌های امریکا عمدتاً بر محوریت دلار و سیستم بانکی جهانی (سوئیفت) اعمال می‌شوند. اگر اعضای بریکس بتوانند از مشترک یا سازوکارهای پرداخت مستقل از دلار ایجاد کنند، ایران می‌تواند صادرات نفت، گاز، پتروشیمی و حتی محصولات صنعتی خود را بدون نیاز به دور زدن تحریم‌های دلاری انجام دهد.



۲. **تقویت تجارت با اقتصادهای بزرگ**

چین و هند، دو عضو بریکس، بزرگ‌ترین واردکنندگان انرژی در جهان هستند. ایران می‌تواند در شرایطی که روسیه زیر تحریم‌های غرب قرار دارد، سهم بیشتری از این بازارها به دست آورد. همچنین برزیل و آفریقای جنوبی در تأمین مواد اولیه کشاورزی و معدنی برای ایران نقش مهمی ایفا می‌کنند و می‌توان با تهاث کالا با استفاده از ارزهای ملی، تجارت را گسترش داد.

۳. **استفاده از ظرفیت‌های مالی مشترک بریکس**

ایجاد بانک توسعه بریکس (NDB) و سایر نهادهای مالی مشترک، فرصتی است تا ایران برای پروژه‌های زیرساختی، از منابعی غیر از بانک‌های غربی بهره‌گیرد. این رویکرد می‌تواند هزینه‌های پروژه‌های ملی را کاهش دهد و مانع از اثرگذاری تحریم‌های امریکا شود.

■ **ایران و دیپلماسی هوشمندانه در بریکس**

ایران تازه‌وارد بریکس است، اما موقعیت جغرافیایی و منابع عظیم انرژی کشورمان می‌تواند ایران را به یکی از اعضای کلیدی این گروه تبدیل کند. این هدف البته به یک شرط مهم وابسته است، دیپلماسی فعال و همسو با منافع جمعی بریکس. چه باید کرد؟

۱- **ایجاد پیمان‌های پولی دو جانبه و چند جانبه:** ایران باید به سرعت توافق‌هایی برای استفاده از ارزهای ملی با کشورهای مانند چین، روسیه و هند ایجاد کند. این پیمان‌ها در کوتاه‌مدت می‌توانند جایگزین مناسبی برای دلار باشند.

۲- **سرمایه‌گذاری در پروژه‌های مشترک انرژی و حمل‌ونقل:** ایران می‌تواند با مشارکت در پروژه‌های بریکس (مانند کمربند و جاده چین) نقش خود را در زنجیره تأمین جهانی تثبیت کند.

۳- **استفاده از ظرفیت سیاسی بریکس برای کاهش فشار غرب:** همکاری نزدیک با روسیه، چین و هند در این گروه، می‌تواند در مذاکرات بین‌المللی برای ایران اهرم فشاری قوی ایجاد کند.

■ **چالش پیش‌رو**

البته بهره‌گیری از این فرصت‌ها بدون چالش‌های جدی نیست. مهم‌ترین چالش پیش‌روی ایران احتمال بازگشت پرونده کشورمان به فصل هفتم منشور سازمان ملل در صورت شکست مذاکرات با افزایش فشارهای غرب است. در این شرایط، هر گونه اتحاد با بریکس باید با محاسبه دقیق و دوراندیشی انجام شود. به‌ویژه برخی اعضای بریکس مانند هند یا برزیل روابط اقتصادی گسترده‌ای با امریکا دارند و حاضر نیستند به‌طور کامل در تقابل مستقیم با واشینگتن قرار گیرند.

■ **چرا ترامپ به ضرر خودش عمل می‌کند؟**

رفتارهای ترامپ، هرچند با شعار «اول امریکا» انجام می‌شود، اما در عمل باعث شده امریکا دوستان کمتری داشته باشد. اروپا که هم‌پیمان سنتی واشینگتن است، از سیاست‌های تعرفه‌ای ترامپ ناراضی است. چین و روسیه که مدت‌هاست به دنبال جایگزینی دلار هستند، اکنون انگیزه بیشتری برای ایجاد سیستم مالی مستقل دارند. حتی کشورهای عضو بریکس که پیش‌تر از نظر اقتصادی بیشتر با دلار معامله می‌کردند، حالا به سمت ارزهای محلی و پروژه‌های مشترک مالی رفته‌اند که همین روند، در میان‌مدت می‌تواند هژمونی دلار را تضعیف کند.

■ **کلام آخر**

جنگ تعرفه‌ای ترامپ شاید در نگاه اول تهدیدی برای اقتصاد جهانی باشد، اما برای کشورهایی مانند ایران یک فرصت طلایی است تا از سایه دلار فاصله بگیرند و از ظرفیت‌های بریکس برای دور زدن تحریم‌ها و تقویت تجارت خارجی استفاده کنند. ایران باید با هوشمندی، صبر و دیپلماسی فعال، جایگاه خود را در این بلوک اقتصادی تثبیت کند. هر گام در مسیر دلارزدایی، نه تنها فشار تحریم‌ها را کمتر می‌کند، بلکه می‌تواند اقتصاد ایران را در برابر شوک‌های خارجی مقاوم‌تر سازد.

افزایش عرضه گوشت قرمز در خرداد امسال، تنها یک جهش آماری نیست. این افزایش، نشانه‌ای از تحولات عمیق در زنجیره تولید دام و گوشت در کشور است؛ تحولاتی که هم ریشه در فشار اقتصادی دارند و هم پیامدهایی برای آینده بازار گوشت. طبق آخرین گزارش، در خرداد ۱۴۰۴، کشتارگاه‌های رسمی کشور ۴۲/۵۴۳ تن گوشت قرمز عرضه کردند که افزایشی ۱۵ درصدی نسبت به اردیبهشت و رشدی ۲۸ درصدی در مقایسه با خرداد سال گذشته داشت. بیشترین سهم این افزایش متعلق به گوشت گاو و گوساله است، اما این افزایش به معنای رونق تولید است یا نشانه‌ای از بحران دامداری؟

■ ■ ■

آمار رسمی منتشر شده در خرداد ۱۴۰۴ حاکی از عرضه بیش از ۴۲ هزار تن گوشت قرمز در کشتارگاه‌های کشور است. این عدد در نگاه اول شاید امیدبخش به نظر برسد، اما واقعیت‌های پشت این افزایش چهره‌ای دیگر از بازار دام و گوشت را نشان می‌دهد. بررسی‌ها نشان می‌دهد افزایش عرضه بیش از آنکه ناشی از رشد پایدار تولید باشد، حاصل فشار اقتصادی بر دامداران و ناچاری در فروش دام‌های مولد است. در ماه خرداد، گوشت گاو و گوساله با ۲۴/۰۸۸ تن، بیش از ۵۶ درصد از عرضه گوشت قرمز را تشکیل داد. گوشت گوسفند و بره نیز با ۱۴/۵۰۲ تن معادل ۳۴ درصد و بز و بزغاله با ۲/۹۱۱ تن حدود ۶/۸۴ درصد را شامل شدند. سایر دام‌ها از جمله گاویش و شتر مجموعاً سهمی ۲/۴۵ درصدی داشتند. این ترکیب نشان‌دهنده آن است که دام‌های سنگین به‌ویژه گاو، بیش از پیش به چرخه کشتار وارد شده‌اند.

دلایل این روند را باید در شرایط اقتصادی دامداران جست‌وجو کرد. طی ماه‌های اخیر هزینه‌های نگهداری دام به‌ویژه خوراک، دارو و خدمات دامپزشکی افزایش یافته و قیمت خرید دام از دامدار با تأخیر یا با نرخ پایین‌تری پرداخت شده است. این مسائل باعث شده دامداران برای حفظ جریان نقدینگی به ناچار دام‌های مولد یا حتی دام‌های جوان را زودتر از موعد روانه کشتارگاه کنند. بررسی میدانی در برخی استان‌ها نیز این موضوع را تأیید می‌کند. گزارش‌ها حاکی از افزایش فروش دام در بازارهای محلی و انتقال آن به کشتارگاه‌هاست. در بعضی موارد، دام‌هایی که باید برای تولید مثل نگهداری می‌شدند، به‌دلیل نبود صرفه اقتصادی به فروش گذاشته شدند. این روند اگرچه در کوتاه‌مدت منجر به وفور نسبی گوشت در بازار

گزارش ۲ رفب‌زیرین

می‌شود، اما در بلندمدت می‌تواند منجر به کاهش جمعیت دام و در نهایت افزایش قیمت و کمبود عرضه شود. دام مولد در واقع سرمایه اصلی دامدار است و حذف زود هنگام آن می‌تواند توازن عرضه و تقاضا را بر هم بزند. در کنار فشارهای اقتصادی، برخی تصمیمات سیاستی نیز بر این وضعیت تأثیر گذاشته‌اند. برای مثال، محدودیت‌های صادرات دام سبک طی سال گذشته، باعث ماندن دام در داخل کشور و افزایش فشار بر دامدار شده است. این در حالی است که صادرات می‌توانست بخشی از چالش‌های دامداران را تأمین کند. همچنین بررسی برخی گزارش‌ها نشان می‌دهد، بخشی از کشتار دام به‌ویژه دام سبک در خارج از کشتارگاه‌های رسمی انجام می‌شود. این موضوع علاوه بر کاستن از دقت آمارهای موجود، موجب اختلال در سیاست‌گذاری و نظارت بهداشتی می‌شود. آمارهای غیررسمی نشان می‌دهد که در برخی مناطق روستایی، کشتار دام بدون ثبت و گزارش رسمی صورت می‌گیرد که نه تنها در طرح‌های آماری لحاظ نمی‌شود، بلکه خطراتی از نظر سلامت گوشت عرضه شده نیز ایجاد می‌کند.



در تحلیل اثرات این وضعیت بر بازار مصرف نیز باید به چند نکته مهم توجه کرد. افزایش عرضه، الزاماً به معنای کاهش قیمت برای مصرف‌کننده نیست. بررسی بازار خرد نشان می‌دهد قیمت گوشت در خرداد ۱۴۰۴ نسبت به اردیبهشت، در برخی اقلام کاهش اندکی داشته اما همچنان در سطح بالایی باقی مانده است. وجود واسطه‌های متعدد، هزینه‌های حمل‌ونقل و ضعف در سامانه توزیع از عوامل اصلی در تداوم قیمت بالای گوشت هستند. بی‌مدیریت این وضعیت، پیشنهادهای متعددی مطرح شده است. نخست، حمایت هدفمند از دامداران از طریق تأمین یارانه خوراک دام و تسهیل دسترسی به نهاده‌ها. دوم، اصلاح زنجیره توزیع گوشت و کاهش واسطه‌ها برای رساندن مستقیم گوشت به بازار مصرف. سوم، تقویت زیرساخت‌های کشتارگاهی و تشویق دامداران به استفاده از مسیرهای رسمی عرضه و چهارم، بازنگری در سیاست‌های صادراتی به‌نحوی که هم تعادل بازار داخلی حفظ و هم فرصت‌های ارزی برای دامداران فراهم شود. از سوی دیگر، برخی کارشناسان هشدار می‌دهند که در صورت عدم اصلاح فوری در زنجیره تأمین، سال آینده با کاهش جدی دام زنده و جهش قیمت گوشت مواجه خواهیم شد. تجربه سال‌های گذشته نشان داده که حذف دام مولد، تأثیر مستقیم بر کاهش تولید و اختلال در امنیت غذایی دارد. روند افزایشی کنونی اگرچه ممکن است در ظاهر به‌عنوان یک موفقیت آماری تلقی شود، اما بدون پیوست حمایتی، به فرسایش منابع دامی کشور خواهد انجامید.

در این میان، اهمیت داده‌های آماری دقیق نیز نباید نادیده گرفته شود. تکیه بر گزارش‌های رسمی کشتارگاه‌ها زمانی مؤثر است که بخش غیررسمی بازار نیز کنترل و ثبت شود. پیشنهاد کارشناسان، ایجاد سامانه‌های هوشمند برای رصد لحظه‌ای عرضه و تقاضای دام و تسهیل ثبت اطلاعات از سوی دامداران و کشتارگاه‌هاست. تنها در این صورت است که می‌توان سیاست‌های مؤثر و پایداری را در بخش دام و گوشت طراحی و اجرا کرد.

رشد ۱۵ درصدی عرضه گوشت قرمز در خرداد ۱۴۰۴ نسبت به ماه قبل و افزایش ۲۸ درصدی

«مسئولیت اجتماعی» حربه‌ای برای توجیه قدرت‌طلبی است

تطمیع با نقاب مسئولیت اجتماعی!

شرکت‌های شبه‌دولتی با ادعای خصوصی بودن از واژه مسئولیت اجتماعی بهره می‌برند تا پروژه‌های انحصاری و سودآور خود را در قالب اهداف خیرخواهانه عرضه کنند

برای تبلیغ خود با پول‌های مشکوک‌الوصول تفاوت قائل شویم. شرکت‌هایی که از پول مردم تغذیه شده‌اند، باید در وهله اول نسبت به همین مردم شفاف و پاسخگو باشند، نه اینکه با چند پروژه نمایشی، کارنامه خود را بزک کنند.

نمونه بارز این رویکرد، در برخی شرکت‌های بزرگ پتروشیمی، فولاد، مخابرات و انرژی کشور دیده می‌شود. این نگاه‌ها اگرچه گاه دست به کارهایی مثبت در حوزه سلامت یا آموزش می‌زنند، اما نحوه مدیریت منابع، فرآیندهای استخدای رانته، خریدهای خارجی بی‌توجیه و بدهی‌های کلان مالیاتی آنها واقعیتی دیگر را روایت می‌کند.

در سطح بین‌المللی نیز مفهوم مسئولیت اجتماعی مورد انتقاد قرار گرفته، به‌ویژه زمانی که شرکت‌های چندملیتی از آن برای پوشاندن اثرات زیان‌بار زیست‌محیطی، نقض حقوق کارگران یا اقدامات ضدبشری خود استفاده می‌کنند. نهادهای نظارتی باید این انحراف را افشا کنند. ناداشتن دسترسی عمومی به اطلاعات مالی شرکت‌ها، باعث شده است این روند با شدت بیشتری رخ دهد.

تدوین قوانین الزام‌آور برای مسئولیت اجتماعی، یکی از راهکارهای ضروری در این حوزه است. اگر هر شرکت موظف باشد در قالب مقررات شفاف و قابل سنجش، بخشی از سود خود را به امور عام‌المنفعه واقعی اختصاص دهد و این اقدامات تحت نظارت مستقل انجام گیرد، شاید بتوان بخشی از این فریب را مهار کرد، اما تا زمانی که شرکت‌ها خود انتخاب می‌کنند که چه زمانی، چگونه و برای چه اهدافی فعالیت کنند، این مفهوم در ایران همچنان ابزاری برای تبلیغ و تطمیع باقی خواهد ماند.

جامعه نیاز به آگاهی دارد. باید بدانیم هر بسته حمایتی، هر



هرگونه انتقاد به عملکردشان را با ارجاع به این فعالیت‌هایی اثر می‌سازند.

برای مثال، شرکتی که بیشترین سهم را از قراردادهای دولتی گرفته، در فصل سرما اقدام به توزیع بخاری میان خانواده‌های نیازمند می‌کند. رسانه‌ها این حرکت را تحسین می‌کنند، مسئولان آن دفاع می‌کنند و جامعه، از بیاد می‌برد که این شرکت، پیش‌تر با کیفیت پایین محصولات خود با تأخیرهای بی‌دری در پروژه‌های ملی، میلیاردها تومان زیان به اقتصاد کشور وارد کرده است.

این معضل، زمانی نگران‌کننده‌تر می‌شود که بدانیم بسیاری از

این شرکت‌ها با زودبندهای پشت پرده، مسیر قانون‌گذاری را نیز به نفع خود شکل می‌دهند. مسئولیت اجتماعی، در چنین بستری نه تنها اخلاقی نیست، بلکه ابزاری برای انحراف افکار و

بی‌دری در پروژه‌های ملی، میلیاردها تومان زیان به اقتصاد کشور وارد کرده است.

استفاده از وام‌های کلان بانکی، امتیازات ویژه ارزی، معافیت‌های مالیاتی و حتی بخشش بدهی‌های چند هزار میلیاردی به رشد رسیده‌اند. این در حالی است که بسیاری از کارآفرینان و بخش خصوصی واقعی، در پیج‌وخم بروکراسی و نبود حمایت یا زمین خوددانی یا هیچ‌اگر امکان رشد پیدا نکردند.

چرا چنین شرکت‌هایی خود را خصوصی می‌نامند؟ پاسخ ساده



شرکت‌هایی که از سفره عمومی برخاسته‌اند، نباید با پوشش مسئولیت اجتماعی، پاسخگویی خود را از یاد ببرند. نقاب مهربانی بر چهره انحصار، نه تنها مردم را فریب می‌دهد، بلکه نهادهای نظارتی را نیز از کار می‌اندازد